

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

# ایسکرا ۵۱۷

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۵ مای ۲۰۱۰

سردبیر، منصور فرزاد - عبدالگلپریان

## طنین "زنده باد روز جهانی کارگر" در سنندج!

حزب کمونیست کارگری را ملاحظه میکنید و جزئیات بیشتر در مورد اول مه سنندج و سایر شهرهای کردستان را بعدا به اطلاع خواهیم رساند.

"در ساعت ۵ عصر کارگران و خانواده هایشان در دسته های بزرگی در نقاط مختلفی جمع شدند. پلیس ۲ صفحه

گزارش خبرنگار حزب از برگزاری مراسم اول مه در سنندج امروز یازده اردیبهشت، اول ماه مه در شهر سنندج علیرغم حکومت نظامی حکومت اسلامی دو مراسم به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد. اینجا عین گزارش خبرنگار



محمد آسنگران

امروز همه کس میتوانند آنرا ۳ صفحه

## روز جهانی کارگر امسال نوید بخش بود

هر کس اخبار و مبارزات و اعتراضات جنبش کارگری را در مقطع اول مه ۸۹ در ایران تعقیب کرده باشد با مشخصات و ویژه گیهای متفاوتی مواجه شده است. این ویژگیها حیاتی و اساسی هستند. سرنوشت سازند. بخش پیشرو کارگران در ایران یک تحول تاریخی مهم را نمایندگی کردند. هنگامیکه ما میگفتیم چپ در ایران دست بالا را دارد همین واقعیت شور انگیز را میدیدیم که

## زنده باد اول ماه مه

### یورش نیرو های امنیتی به مراسم اول ماه مه در شهر سنندج

علیرغم فضای شدید امنیتی در شهر سنندج و احضار و دستگیری و تهدید کارگران، مراسم اول ماه مه با راهپیمایی کارگران در این شهر برگزار شد



اول مه 2010 سنندج جمعی از فعالین کارگری شورایی

بنا بر خبرهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، امروز یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ علیرغم فضای شدید امنیتی در شهر سنندج و احضار و دستگیری و تهدید کارگران و اعضای اتحادیه در این شهر، مراسم اول ماه مه در شهر سنندج با راهپیمایی کارگران برگزار شد.

بر اساس این گزارش جمعیتی از کارگران که تعداد آنها به حدود ۲۰۰ نفر

میرسید در ساعت ۱۸ امروز در خیابان نمکی از خیابانهای مرکزی این شهر تجمع کردند ۲ صفحه

### در صفحات دیگر:

صفحه ۲

صفحه ۴

صفحه ۵

صفحه ۵

اول ماه مه در سقز و بانه

آزادی فواد شبکه فر و امجد آذری نیوفر از زندان

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند

گزارش اول ماه مه در مهاباد

## مصاحبه با جعفر عظیمزاده: نگاه فعالان کارگری

### به طرح مشکلات کارگران توسط موسوی و کروی

سخن گفتند. نظر جعفر عظیمزاده، رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را در این مورد جویا

صفحه ۶

میرحسین موسوی و مهدی کروبی آستانه روز کارگر مهدی کروی و میرحسین موسوی، دو تن از رهبران منتقدان به دولت، در مورد لزوم توجه به خواستهای کارگران

## آینده حزب حکمتیست



ناصر اصغری

سیاستی را که رهبری حزب حکمتیست علی العموم و خط و متد کورش مدرسی علی الخصوص در قبال جنبش جاری در پیش گرفت، جدا از اینکه سیاستی مخرب و ارتجاعی بود در عین حال معلوم هم بود که در خود این حزب هم به چالش کشیده خواهد شد. هر کسی سری به سایتهای اینترنتی این حزب بزند،

از پرداختن این افراد به مسائل کارگری تعجب خواهد کرد؛

صفحه ۳

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اول مه در شهرهای سقز و بانه

گزارش شماره ۷ از اول مه در شهرهای سقز و بانه در سقز حداقل دو تجمع و راهپیمایی به مناسبت اول مه برپا شد. گزارش یکی از فعالین حزب از یکی از این مراسم ها را اینجا میخوانید:

با تعدادی از کارگران و فعالین کارگری ابتدا به میدان کار روزانه این شهر که کارگران برای کار هرروز در آنجا تجمع میکنند رفتیم. در آنجا یکی از فعالین کارگری از شرکت دخانیات این شهر سخنرانی کرد و بدنبال آن با گزارش شماره ۷ از اول مه در شهرهای سقز و بانه، راهی جامع، میدان ۲۲ بهمن، چهار راه آزادی حرکت کردیم. در حالیکه لباس شخصیها دور و نزدیک همراهمان میکردند و تنهایمان نمیگذاشتند. فضای شهر بسیار نظامی بود انگار کارگران و فعالین هر کدام با مسلسل بیرون آمده بودند. در نهایت ما با شور و شادی به راهپیمایی خود پایان دادیم اما نیروهای سرکوب با سرافکنندگی به لانه هایشان رفتند. مراسم دیگری در ارتفاعات کوه

جافل که تفریحگاه مردم سقز است برپا شد. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، صبح روز اول مه جمع کثیری از زنان و مردان کارگر برای گرامیداشت روز کارگر از ساعت پنج و نیم صبح در بالای کوه جافل تجمع کردند و مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار کردند. در این مراسم ابتدا به احترام جانبازان راه آزادی طبقه کارگر یک دقیقه سکوت اعلام شد و با قطعه شعری سکوت شکسته شد. سپس محمود صالحی در مورد روز جهانی کارگر سخنانی ایراد کرد و به دنبال آن شعر و مقاله ای توسط دو نفر از حاضرین

قرائت شد. سپس مطلبی از طرف یکی از دانشجویان شرکت کننده و در انتها قطعنامه تشکل های کارگری قرائت شد.

بانه: روز ۱۱ اردیبهشت در شهر بانه مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر با حضور دهها نفر از فعالین کارگری و خانواده های آنها در مسیر جاده سورین در ۲ کیلومتری این شهر برگزار شد. در این مراسم که سه ساعت به طول انجامید، به احترام جانبازان ختگان یک دقیقه سکوت شد و سپس برنامه های متنوعی ارائه گردید. از جمله نامه فرزند کمانگر به معلمان و مطلبی به نام شرایط زنان کارگر توسط دو نفر

از شرکت کنندگان قرائت شد و در انتها قطعنامه اول ماه مه تشکل های کارگری در ایران بمناسبت اول مه خوانده شد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد انقلاب انسانی برای  
حکومت انسانی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۲ مه ۲۰۱۰، ۱۲ اردیبهشت  
۱۳۸۸

## طنین "زنده باد روز جهانی کارگر" ...

از صفحه ۱

از ساعت ۳ عصر تمام شهر را بصورت حکومت نظامی در آورده بود. لباس شخصی ها در تمام شهر و بازارهای شهر بودند. و به چند نفر بیشتر اجازه جمع شدن نمیدادند. با عابرین برخورد میکردند. در چند مورد کارگران به هم ملحق شدند تا تظاهرات را شروع کنند که لباس شخصی ها و پلیس سریعاً به محل میرسیدند و جمعیت را متفرق میکردند. در این کشاکش ها یک نفر در بازار مجاور پاساژ حامی توسط لباس شخصی دستگیر شد. عوامل انتظامی به تعدادی از فعالین که آنها را میشناختند هشدار شدید میدادند. ساعت شش و ده دقیقه همگی در خیابان نمکی جلوی رستوران صدف جمع شدیم و به یکباره پلاکاردها را بلند کردیم. در جلو صف زنان پلاکاردها بدست گرفتند و شروع کردیم به شعار دادن. "زنده باد کارگر، زنده باد روز جهانی کارگر"، "زنده باد اتحاد کارگری" و به طرف سه راه خیابان نمکی براه افتادیم. در میان راه لباس شخصی ها و حشیانه همراه با نیروی انتظامی حمله کردند و پلاکاردها را گرفتند و شروع به کتک زدن کردند که کارگران نیز مقاومت کردند. ولی سرانجام جمعیت را پراکنده کردند.

همچون آورد و سه راه نمیکی بسته شد. با اینهمه جمعیت خیلی زیاد شد. لباس شخصی ها به چند زن حمله کردند که زنان جانانه مقاومت کردند. اما به زور پلاکاردها را گرفتند. در همین حین یک بار نیز چند تیر شلیک کردند. فکر کنم به کسی نخورد. تا آنجایی که متوجه شدم کسی اینجا دستگیر نشد. به جز همان یک نفر در بازار سرای حامی. حالت جنگ و گریز بود تعقیب میکردند اما کارگران دوباره پلاکاردها را بلند کرده و شعار میدادند. لباس شخصی های تمام میدان انقلاب خیابان نمکی و فردوسی و آزادی را کاملاً احاطه کرده بودند. به میان مردم آمدند تا افراد را شناسایی کنند. در ضمن در جریان تظاهرات امروز قطعنامه ده تشکل کارگری در مورد اول مه پخش شد.

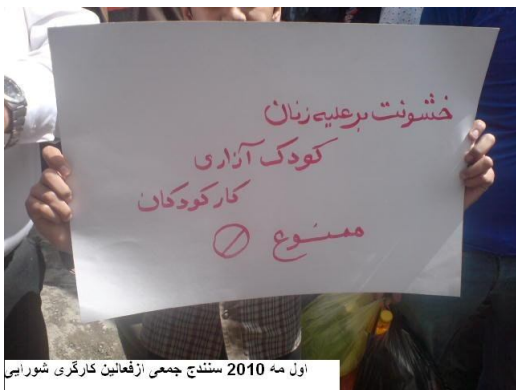
همچنین مراسم دیگر اول مه در سنندج برگزار شد. امروز صبح در ساعت یازده و نیم جمعی از فعالین کارگری در خیابان نمکی کوچه میوه فروشان سنندج دست به تجمع زده و پلاکاردهایی را بر افراشتند. به مناسبت روز جهانی کارگر قطعنامه ای را خوانده و شعارهای زنده باد اول مه روز جهانی کارگر داده شد. مردم نیز دور آنها حلقه زده و شرکت کنندگان در مراسم پلاکاردهایی داشتند که نوشته شده بود رفقای در بندمان را آزاد کنید، زنده باد زور جهانی کارگر. و مراسم با تشویق حضار به پایان رسید.

## زنده باد اول ماه مه

از صفحه ۱

و به طرف میدان فردوسی دست به راهپیمایی زدند. بنا بر این گزارش در همان لحظه های اول شروع راهپیمایی به طرف میدان فردوسی در حالی که کارگران

تجمع در آنجا اقدام به قرائت قطعنامه ۱۵ ماده ای مشترک تشکلهای کارگری ایران به مناسبت اول ماه مه بکنند که با هجوم نیروهای امنیتی و گارد ویژه مواجه



اول مه ۲۰۱۰ سنندج جمعی از فعالین کارگری شورایی

شدند. در این تجمع و راهپیمایی با مقاومت کارگران، نیروهای امنیتی موفق به دستگیری کارگران تظاهر کننده نشدند. اتحادیه آزاد کارگران ایران با تیریک اول ماه مه به کارگران شهر سنندج به همه آنان درود می فرستد و خواهان آزادی فوری و بی قید شرط صلیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه و فواد کیخسروی از اعضای اتحادیه از زندان است.

زنده باد اول ماه مه

پلاکاردهایی در رابطه با اول ماه مه بدست گرفته بودند و شعار "کارگر اتحاد اتحاد" سر میدادند مورد تهاجم نیروهای امنیتی و گارد ویژه قرار گرفتند و پس از مدت کوتاهی درگیری بین این نیروها و کارگران و ضرب شتم تعدادی از آنان توسط نیروهای امنیتی، این نیروها موفق به متفرق کردن جمعیت تظاهر کننده شدند. بر اساس این گزارش کارگران تصمیم داشتند راهپیمایی خود را تا سه راه نمکی ادامه داده و سپس با

لازم به یادآوری است که از دیشب سازمان اطلاعات سنندج با فعالین کارگری و تمامی اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران تماس گرفته و آنها را تحت فشار گذاشته که مراسمی گرفته نشود. و از آنها با تهدید و فشار تعهد گرفته که در مراسم شرکت نکنند. همینطور آنها را تحت فشار گذاشته که مکان و زمان برگزاری مراسم را بگویند. امروز صبح نیز به تعدادی دیگر زنگ زدند و با فشار و تهدید آنها را به اطلاعات کشاندند. همچنین صبح امروز نیروهای انتظامی صلیق کریمی و فایق کیخسروی از اعضای هیات مدیره اتحادیه را اطلاعات بازداشت کردند. صبح زود به در خانه صلیق کریمی رفته بودند...

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران و مردم سنندج سرخ و همه کسانی که در برپایی مراسم اول مه در شهرهای مختلف سهیم بودند درود میفرستد و خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان است. اول ماه مه امسال بیش از هر سال وحشت و نگرانی از چهره سران جمهوری اسلامی پیدا بود و بیش از هر وقتی توجه توده های وسیع مردم به مبارزه انقلابی و رهایی بخش طبقه کارگر جلب شد.

زنده باد اول ماه مه سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران (اول مه ۲۰۱۰، ۱۱

## روز جهانی کارگر امسال ...

از صفحه ۱

ببینند. امسال حتی از سالهای قبل متفاوت تر بود. این مشخصات از نظر من مهم اند و باید آنها را برجسته کرد و آینده را بر این مبنا شکل داد.

برجسته ترین مسئله ای که قبل از اول مه به اطلاع همگان رسید تحرك تشکلهای و جمعها و مراکز مختلف کارگری بود. برجسته ترین اقدام در این میان حرکت هماهنگ ده تشکل کارگری بود که قطعنامه مشترکی را منتشر کردند. پارسال هم این کار را کرده بودند اما امسال

## آینده حزب ...

از صفحه ۱

بخصوص اگر سابقه آنها را در پرداختن به مسائل کارگری دنبال کرده باشد. منتها آنچه که در لابلای سطور این نوشته ها گیر خواننده می آید، نه نوشتن در باره مسائل کارگری و حتی يك موضوع مشخص مثل اول مه، بلکه جنگ دو گرایش است که انقلاب جاری در این حزب این شکاف را دامن زده است. حجم نوشته های آنها در این دوره و مشخصا حملاتشان به حزب کمونیست کارگری در واقع پرداختن به مشکل خود و جواب به همدیگر است. دو شقه شدن و به چالش کشیده شدن این تئوری های ارتجاعی در این حزب اجتناب ناپذیر می بود چرا که هر حزب و جریانی که جمع دو سه دوست و فامیل نباشد، در برابر مسائل مهم و مسائلی چون انقلاب جاری که توجه کل جهان را به خود جلب کرد، نمی تواند مثل خط غالب بر حزب حکمتیست این چنین غیرمسئولانه و گاه با زبان لمپنی حرف بزند. (۱) کسانی که در اوضاع نسبتا عادی و آرام زیر پرچم های دروغین قایم می شوند، در تلاطمات انقلابی و غیرعادی و غیرمتعارف دچار مشکل می شوند. مثلا اگر کسی يك حزبی درست کند و اسم خودش را هم بگذارد حزبی که مخالف انقلاب است و تمام هم و غمش ایستادن در برابر اعتراضات مردم خواهد بود، تنها کسانی را جذب خواهد کرد که واقعا ضدیت با انقلاب و با

در عین حال اجازه نمیدهیم اصلاح طلبان حکومتی از اعتراض بر حق مردم به نفع جنگ جناحیشان سواستفاده کنند. این اقدام کارگران در حکم اعلام يك التیما توم به حاکمان و ایست به جناح اصلاح طلبان حکومتی و جریانات بورژوازی بود.

جنبش کارگری با مطالباتی که مطرح کرده بود و با اعتماد به نفسی که رهبران و فعالینش از خود نشان دادند، همگی باعث شد که جریانات بورژوازی با لحن و ادبیات دیگری به کارگرو روز جهانی کارگر بپردازند. کارگر دیگر برای سلطنت طلبان همان "فعله" بیسواد همیشگی که

ببخود و نامربوط به متد منصور حکمت در قبال وقایع کردستان عراق در دور جنگ اول خلیج مراجعه و به آن آویزان شده بودند. این خط علی العموم توسط کورش مدرسی توزیزه میشد و توسط کسانی مثل خالد حاج محمدی، محمد فتاحی، اسد گلچینی و تیپهای کمتر شناخته شده دیگری هم همراه با بددهنی به دیگران به پیش برده شد. این حزب تا آنجا پیش رفت که سرنگونی جمهوری اسلامی را به ضرر جامعه ارزیابی کرد و نتیجه گرفت سرنگونی جمهوری اسلامی نهایتا به تقویت بورژوازی در ایران خواهد انجامید.

روح بیانیه پلنوم ۱۵ حزیشان تحت عنوان "آنچه که باید آموخت" همین نکته را می گوید. "چنین سرنگونی ای نیازهای طبقه کارگر و مردم انقلابی را پاسخگو نیست، به عکس میتواند به مستحکم شدن قدرت بورژوازی منجر شود و در واقع حاکمیت بورژوازی را نجات دهد." فعالین این حزب در خارج کشور در ابتدای اعتراضات خیابانی مردم در ایران، همراه با دیگر ایرانیان خارج کشور در اعتراض به سرکوبگری های جمهوری اسلامی و در دفاع از مبارزات مردم در آکسیون های اعتراضی شرکت می کردند. منتها به مرور زمان که خط کورش مدرسی بر این حزب غالب شد این است که از آنجا که جنبش جاری جنبشی است ارتجاعی و جنگی است بین رفسنجانی و خامنه ای و غیره، جامعه را به دو قطب طرفداران خامنه ای و طرفداران رفسنجانی تقسیم کرده است و هر کسی با هر نیت و آرزویی دخالت کند، به ارتجاع خدمت کرده است.

خروج از بحران!

بهرحال معلوم بود که این خط

صفحه ۴

باید به آنها خدمات بدهد نبود. همچنانکه برای حکومت هم کارگر دیگر همان مسلمان نماز خوان و سر به زیر نبود که تسبیح میچرخاند و الله اکبر میگوید و آخوند پروار میکند. این بار کارگر روزی داشت که روز جهانی کارگر اسم دارد و باید همه ضد کارگرا هم این روز را تبریک بگویند!

کارگر این بار بخشی از "ملت شریف" و "زحمتکش" شده بود که باید حقوقش رعایت میشد.

به قول تاینکیهای وابسته به محسن رضایی این روز تاریخش به مبارز کارگران شیکاگو در آمریکا برمیگردد که بعدا بوسیله سوسیالیستها به این روز جهانی تبدیل شد.

در این روز و به این مناسبت از خامنه ای گرفته تا احمدی نژاد و دیگر سرداران سپاه، از موسوی گرفته تا رضا پهلوی و تمام جریانات ناسیونالیستی و اسلامی همگی مخلص کارگر شدند. يك دوره خمینی هم اعلام کرده بود که "خدا خودش هم کارگر است" امسال همه این طیف و خدا و سلطانشان کارگر شدند!؛ چرا که گوشه کوچکی از اراده و قدرت سیاست کارگری و قدرت این طبقه را مشاهده کرده بودند.

رجبران و پیشروان کارگران هم با الهام از همان متد معروف مارکس در قطعنامه شان از يك طرف ادعانامه و نقد خود از سرمایه را بیان کرده بودند و از طرف دیگر به عنوان سخنگویان و نمایندگان رهایی کل جامعه خواهان آزادی هم زندانیان سیاسی، لغو شکنجه و اعدام، برابری زن و مرد، حقوق کودک و آزادی تشکل و تحزب و

تعیین حد اقل دستمزد و... شده بودند.

این قطعنامه نشان داد که کارگران به عنوان يك صنف به خود نگاه نمیکنند. نشان داد که کارگران آماده شده اند که در نقش رهبر و سخنگوی کل جامعه به میدان بیایند. این دو فاکتور مهمترین تحول و دستاوردی است که با به میدان آمدن کارگران در سال ۵۷ متفاوت است. در سالهای گذشته هم این نقش کم و بیش عیان بود اما امسال در دل يك خیزش توده ای این اتفاق برجسته میشود و این یکی از مهمترین فاکتورهای عرصه سیاست در ایران است.

البته همینجا باید تاکید کنم که این موقعیت اتفاقی و یا نتیجه ابتکار این یا آن محفل و سازمان نبوده است. این يك روند سیاسی و تحول عمیق و ریشه ای را به ما نشان میدهد. این نتیجه پیشروی سیاست و گرایشی است که به مدت 30 سال قبل برای آن تلاش صورت گرفته است. يك دنیا نقد، ادبیات، کتاب و مقاله در این راستا نوشته شده است. جاهایی زیادی در این راه فدا شده است. در این سه دهه قبل گرایشاتی حاشیه ای و گرایشاتی به جلو سوق داده شده اند. سنتهایی مرده و سنتهای دیگر پا به حیات گذاشته اند. سازمانهایی از بین رفته و یا حاشیه ای شده اند و سازمانها و احزابی در جلو صحنه سیاست در ایران رو آمده اند.

میخواهم بگویم اتفاق مهمی افتاده است که خود چکیده تلاش يك نسل از کمونیستهایی خوش فکر ایران و پیشروی جنبش کمونیستی و کارگری ایران است.

صفحه ۵



## آینده حزب...

از صفحه ۳

دچار مشکل خواهد شد. همه می دانستند که یکی از دو تحولات زیر می توانست اینها را نجات دهد. اول اینکه رژیم جمهوری اسلامی بزند و سرکوب کند؛ طوری که مردم این شکست را بپذیرند و جمهوری اسلامی حداقل مثل دوره قبل از انتخابات به زندگی نسبتاً عادی برای جمهوری اسلامی، ادامه بدهد. حال این سرکوب چه از طریق کوییند معترضین در خیابان می بود و چه از طریق دستگیری و محاکمه موسوی و کروبی و غیره می بود که با این کار اگر مردم نیز دست از اعتراض برمیداشتند و حزب حکمتیست می توانست ادعا کند که از اول گفته بود که جنگ بین این دو اردو است و اکنون یکی از آنها مغلوب شده و اعتراضات پایان یافته است. به همین هم اگر اعتراضی که قرار بود بشود، نمی شد و یا نیروهای نظامی با قدرت و آمادگی بیشتری در برابر اعتراضات ظاهر می شدند، این حزب با شادی و دهن کجی به مردم بیانیه صادر می کرد که "مردم دست از این لجبازی ها بردارید!"

حالت دوم اینکه تحولاتی در جامعه اتفاق بیافتد که اینها دست

پیش بگیرند و بگویند اکنون دیگر این جنگ بین جناح های رژیم نیست، بلکه جبهه های جنگ عوض شده اند و جنگ بین طبقه کارگر و بورژوازی در جریان است. ظاهراً برای بخشی از رهبری حزب حکمتیست این دومی فراهم شده است. تا آنجا که دنبال کرده ام، رحمان حسین زاده این موضع را برجسته کرده است. او به بهانه نقد حزب کمونیست ایران موضع مخالفت با خط ارتجاعی کورش مدرسی را به نمایش می گذارد. او در واقع جواب کسانی را در صف آن حزب می دهد که به بهانه های مختلف هر حرکت کارگری در جامعه را نشانی از فاصله گرفتن کارگران از جنبش جاری می دانند. رحمان حسین زاده در انتهای نوشته "تیم آخر مسابقه" می گوید: "در خاتمه شواهد متعددی نشان میدهد، طبقه کارگر ایران در اول مه امسال میروید به روشنی پلاتفرم و صف طبقاتی و سیاسی متمایز خود را از جناح های بورژوازی و جدال آنها و از جنبش سبز که موقعیت اپوزیسیونی به خود گرفته است، نشان دهد. وقوع چنین پدیده ای نقطه عطف مهمی در راستای عروج جنبش سوسیالیستی

کارگری و در راستای به میدان آمدن طبقه کارگر آگاه و روشن بین در بطن تحولات طبقاتی و سیاسی جامعه ایران است. با تمام توان به استقبال این تحول باید رفت." توصیه دوستانه من به رحمان حسین زاده این است که آنچه به نفع موضعی را که ایشان مطرح کرده، خط کورش مدرسی را در آن حزب تضعیف خواهد کرد، رگ و راست بیان این موضوع است و لزومی ندارد که موضع خود را در لفافه حمله به حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری بپیچاند. خط بددینی و جلو اعتراض کارگر و زنان و جوانان در آن جامعه ایستادن، در نهایت بازنده خواهند بود و آینده درخشانی ندارد.

### آینده حزب حکمتیست

خط کورش مدرسی در دنیای سیاست چپ ایران جایگاهی ندارد. کمونیستها سیاست را پیشه نمی کنند که کارگران و جامعه علی العموم را به تعطیلات و بی کارگی دعوت کنند. کسی که این کار را می کند در عالم واقع یک بخشی از سیاست طبقات دارا را به پیش می برد. معلوم نیست موضعی را که رحمان حسین زاده بیان کرده است چه حال و وضعی در حزب حکمتیست دارد، اما در بیرون از چهاردیواری این حزب، کمونیستها نباید اجازه بدهند هیچ بخشی از چپ جامعه

قربانی سیاستهای ارتجاعی بشود. بورژوازی در ایران به اندازه کافی ابزار مقابله با کارگران را در دست دارد. پیوستن بخشی از چپ به این کمپ ابدا خوشایند نیست. در حزب حکمتیست هم تقلاهائی هر چند ضعیف. تا آنجا که به بیرون درز کرده است. بر علیه خط ارتجاعی پرو احمدی نژاد کورش مدرسی در جریان بوده است. امیدوارم که اظهارنظر هر چند ضمنی رحمان حسین زاده این تقلاهائی را تقویت کند و در برابر خط کورش مدرسی نیروی بیشتری بدور خود گرد آورده و بسیج کند.

### (۱)

نوشته محمد فتاحی تحت عنوان "اول مه ادامه عاشورا و نماز جمعه نیست!" که بعداً متوجه شدم در سایت "آزادی بیان" بخاطر اهمیت آن در ستون "از میان مقالات" زیر نورافکن قرار گرفته بود، چند نکته داشت که برای دوستانی که حوصله نکرده اند روی این مطلب "گلیک" بکنند، دو مورد آن را اینجا نقل می کنم که ببینند اینها دارای چه ظرفیتهایی هم هستند. در جایی از این مطلب آمده است: "در مقابل پرویانی که از موضع طبقه شکم سیر جامعه خطاب به کارگر سکوی موعظه را اشغال کرده و طبقه کارگر را سرزنش میکنند که چسبیدن به فقط مطالبات کارگری در حالی که

قدرت در خیابان ها دارد دست به دست میشود بی توجهی به قدرت سیاسی است، باید گفت ساکت شوید احق!". اینجا ایشان البته فقط ادبیاتی را که راحت است با آن دوستان و کس و کارش را خطاب قرار بدهد، به نمایش گذاشته است. اما در بخش دیگری از مطلب ایشان فرهنگ دیگری به نمایش گذاشته شده است که گرچه می دانستیم ایشان این ظرفیت دارد اما باور نمی کردیم اینچنین جرأت ابراز آنرا داشته باشد. می گوید: "البته کارگری هم که هنوز که هنوز است از درک و تشخیص ماهیت طبقاتی این جنبش ناتوان است، او را شایسته است برود و در همان خیابان ها جاش را فدای جنگ آن لشکر کند. کارگری که دل به این جبهه خوش میکند و فداکاری برای آنرا وظیفه خود میدانند حق است برود و فدا شود." این دیگر بحث و نقد سیاسی نیست. دارد در روز روشن و در برابر تمام کسانی که به اینترنت دسترسی دارند آرزوی مرگ کارگرانی را می کند که با وی همراه نشده اند. واقعا معلوم نیست که اگر بتواند، خود ایشان این آرزوی خود را عملی خواهد کرد یا نه؟! دوست دارم که خود اعضای حزب کورش مدرسی به این گفته های محمد فتاحی فکر کنند.

۴ مه ۲۰۱۰

است. ما خواهان دستمزد حداقل یک میلیون تومانی در ماه شده ایم. خواهان جلوگیری از اخراجها و محو قراردادهای موقت و تامین امنیت شغلی شده ایم. به ویژه که این قراردادهای موقت و نبود امنیت شغلی، طبقه کارگر ایران را به لحاظ شرایط کار و زیست، به روز سیاهی نشانده است. ضمن این که اول ماه مه است و ما در این قطعنامه از کارگران مهاجر افغان در ایران که به شدت مورد تبعیض قرار می گیرند، حمایت کرده ایم. خواهان جلوگیری از اخراج آنان شده ایم و خواسته ایم که آنان به عنوان شهروندان متساوی الحقوق شناخته شوند.

همچنین از همبستگی بین المللی طبقه کارگر صحبت کرده ایم، از حقوق بازنشستگان و از اعتراضات مردمی حمایت کرده ایم

صفحه ۵

## مصاحبه با جعفر

### عظیم زاده...

از صفحه ۶

اساسی ترین و بنیادی ترین مطالبات مندرج در این قطعنامه آزادی ایجاد تشکلهای کارگری، آزادی تجمع، راهپیمایی، اعتراض و ... هستند. حتی در منشوری که به مناسبت سالگرد انقلاب منتشر کردیم، خواستار آزادی تحزب در جامعه شدیم. در واقع، امروز این کلیدی ترین و اساسی ترین خواست کارگران است که در این قطعنامه منعکس شده است.

در ادامه قطعنامه نیز به مسأله قطع یارانهها اشاره شده، به مسأله دستمزدهای به شدت زیر خط فقر که الان در سطح یک چهارم زیر خط فقر قرار دارد، پرداخته شده

خانواده های صدیق کریمی و فواد کیخسروی اعلام کرده اند در صورت تداوم بازداشت این دو نفر بر دامنه اعتراضات خود خواهند افزود. همچنین بنا بر خبر تایید شده ای فواد کیخسروی اعلام کرده است در صورت تداوم بازداشت خود دست به اعتصاب غذا خواهد زد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن تداوم بازداشت صدیق کریمی و فواد کیخسروی، هر گونه تلاش برای پرونده سازی نسبت به این کارگران را قویا محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان از زندان است.

زنده باد اول ماه مه

اتحادیه آزاد کارگران ایران

## آزادی فواد شبکه فر و امجد آذری نیوفر ...

از صفحه ۱

دیدار با آنها شدند و فواد شبکه فر به همراه امجد آذری نیوفر که نامبرده نیز در روز اول ماه مه دستگیر شده بود به دادگاه اعزام شدند و آقای فواد شبکه فر با سپردن وثیقه ده میلیون تومانی و امجد آذری نیوفر بدون سپردن وثیقه همانجا آزاد شدند.

مامورین امنیتی اعلام کرده اند صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و فواد کیخسروی عضو فعال اتحادیه در شهر سنندج تا روز ۲۰ اردیبهشت ماه به دادگاه اعزام نخواهند شد.

کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج و

بنا بر خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران طی دیروز و امروز مورخه ۱۴/۲/۸۹ خانواده های صدیق کریمی و فواد کیخسروی در معیت تعدادی از خانواده های کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران و دیگر فعالین کارگری به تجمع در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در شهر سنندج ادامه داده و خواهان آزادی عزیزانشان از زندان شدند.

بنا بر این خبر در پی ایستادگی خانواده ها مبنی بر کسب اطلاع از وضعیت عزیزانشان امروز خانواده صدیق کریمی و فواد کیخسروی موفق به

## دستگیر شدگان اول مه باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند

### اطلاعیه شماره ۸

قبلاً اطلاع دادیم که صبح روز اول مه صدیق کریمی و فایق کیخسروی از مسئولین اتحادیه آزاد کارگران دستگیر شدند. بدنیال این دستگیری خانواده های آنها برای پیگیری وضعیت دستگیری و زندانی کردن این دو نفر به جلو اداره اطلاعات رفتند و تعدادی از خانواده های کارگری هم برای حمایت به آنها ملحق شدند. به گفته اطلاعات قرار بود روز ۱۲ اردیبهشت صدیق کریمی و فایق کیخسروی را دادگاهی کنند که دادگاهی نکردند.

شب ۱۱ اردیبهشت خانواده صدیق کریمی و فایق کیخسروی به طرف اطلاعات رفتند تا از مسئولین اطلاعات درمورد وضعیت عزیزان خود سوال کنند اما با برخورد توهین آمیز و غیرانسانی مامورین اطلاعات مواجه شدند. لازم به ذکر است که روز صبح ۱۲

کارگری ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی کلیه کارگران و خانواده های آنها و مردم مبارز سندج را فرامیخواند که برای آزادی کارگران زندانی دست به اعتراض بزنند و با حضور گسترده در مقابل دادگاه، خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان بشوند.

آزادی بدون قید و شرط کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی، یکی از خواسته های مهم کارگران در بیانیه های روز جهانی کارگر است. این خواست نیازمند پشتیبانی بخشهای مختلف مردم است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد انقلاب انسانی برای  
حکومت انسانی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۲ مه ۲۰۱۰،  
۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۸

کمیته کردستان حزب کمونیست

## گزارش برگزاری مراسم اول مه در مهاباد

بنا به گزارش کمیته برگزار کننده ۱ می شهرستان مهاباد، روز جمعه ۱۰ اردیبهشت ساعت ۱۵ تا ۱۷ مراسمی در اطراف شهرستان مهاباد به مناسبت اول ماه مه توسط جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برگزار گردید.

در مکان برگزاری مراسم پلاکاردهای سرخ رنگی با مضمون: اول ماه مه روز جهانی کارگر گرامی باد - ما خواستار آزادی کارگران در بند هستیم - تشکلهای کارگری را با نیروی خود ایجاد نماییم نصب شده بود. در آغاز مجری برنامه ضمن خیر مقدم به حاضرین، روز جهانی کارگر را تبریک نمود و فهرست برنامه ها را به شرح زیر که برگزار گردید اعلام نمود:

سرود انترناسیونال سرود همبستگی طبقه کارگر  
یک دقیقه سکوت به یاد جانباخته

در این قطعنامه متبلور شده است. اما نوك مسالمان، اگر خواهیم به صورت روزمره و لحظهای به زندگی کارگران ایران نگاه کنیم، همین مسالهای دستمزدها، تعلیق دستمزدها و اخراجها است که به صورت روزمره گریبان کارگران در ایران را گرفته و شرایط بسیار جهنمی را برای طبقه کارگر در ایران ایجاد کرده است.

مصاحبه گر: کیواندخت قهاری - تحریریه: بابک بهمیش

## مصاحبه با جعفر عظیم زاده... از صفحه ۴

و اعلام کرده ایم که هرگونه اعتراض به بی حقوقی های اجتماعی، حق مردم و طبقه کارگر است. از جنبش معلمان، پرستاران و جنبش زنان حمایت کرده ایم.

به جرأت می توانم بگویم که بنیادی ترین و اساسی ترین خواسته های طبقه کارگر در ایران،

ارزش تلقی کردند چرا که به زعم آنها آلیاژ "ضد سرمایه داری کم است" معلوم نیست سرمایه و کارگر چه موجودات عجیب و غریبی غیبی ای هستند که این محافظ آنرا میدانند و دنیا از آن بی خبر است؟! اما کسی تا کنون برای آنها ترحم خورد نکرده است. همینها قبلاً همین تشکلهای موجود را زیر ضرب گرفتند و از نظر آنها تشکل محسوب نمیشدند، و ارزشی هم نداشتند. همینها با افراد مشکوک خود قصد خرابکاری داشتند و نتوانستند. اما امروز مجیزگوی

همان تشکلهای شده اند که قبلاً میخواستند آنها را منحل کنند. خرابکاری اینها باید همانطور جواب بگیرد که تا کنون جواب گرفته است. باید به آنها همچنان گفته شود بروید جای دیگر اینجا جای شما نیست. اکنون هم هر وقت اسم کارگر را بیشتر تکرار میکنند کارگر باید بیشتر احتیاط کند. زیرا میخواهند خرابکاری دیگری را تدارک ببینند. به قول منصور حکمت باید از ترس چنین افرادی دست روی جیب گذاشت و از آنها دور شد نکنند دسپردی بزنند.

## روز جهانی کارگر امسال... از صفحه ۳

ما رهبر سرسخت ما" هم نمیتوانست از این محدودیتهای فکری فراتر برود و نرفت. بورژوازی جهانی و ایرانی با استفاده از همین توهمت و تلقیات بود که توانست خمینی و جریان اسلامی را به قدرت برساند و انقلاب آزادیخواهانه مردم را با يك نسل کشی به شکست بکشاند.

نوید پیروزی اینبار با پرچم و مطالبات و نقد و تفکر و افق دیگری جلوی روی جامعه قرار گرفته است. کارگران و رهبران و پیشروان این طبقه آغاز امیدوار کننده و زیرو رو کننده ای را بر پرچم خود حك کرده اند.

در پایان باید بگویم که نباید جریانات حاشیه ای که نقش پارازیت دارند جدی گرفت. کسانی را میگویم که پارسال به کارگران گفتند به خیابان نیابند و امسال هم آن را جیف را تکرار کردند. کسانی را میگویم که مطالبات کارگران را کم

برای اثبات این مدعا به ادبیات گذشته سازمانها و احزاب و افراد و محافظ چپ ایران در دوران ۵۷ تا کنون نگاه کنید. آن چپ اگر بشود اسمش را چپ گذاشت ریشه ای ترین نقدش به سرمایه تز "سگ زنجیری" بود. ضدیتش با امپریالیسم و مخالفتش با وابستگی سرمایه بود. آن چپ حکومت خلقی و سوسیالیسم خلقی بود. مدافع اعدام انقلابی بود. مدافع آزادی زندانیان سیاسی انقلابی بود. نه همه زندانیان سیاسی. آن چپ متحد اسلام رهایی بخش و خود بخشی از آن بود. آن چپ سوسیالیسمش را از مولایش علی یاد گرفته بود. آن چپ شعار برجسته اش نه سوسیالیسم که خودمختاری و حقوق ملی بود. و بلاخره آن چپ بخش انتگره و جدایی ناپذیری از جنبش ناسیونالیستی و اسلامی بود. ....

اگر این تصویر از چپ گذشته واقعی است که هست، "کارگر نفت



## مصاحبه با جعفر عظیم‌زاده...

از صفحه ۱

شدیم.

میرحسین موسوی در یک ویدئو و مهدی کروی طی اطلاعیه‌ای در آستانه روز جهانی کارگر، اول ماه مه، به خواست‌های مبرم کارگران پرداخته‌اند. فعالان کارگری در این مورد چه می‌اندیشند؟ آنان خود خواست‌های شان را چگونه عنوان می‌کنند؟

دوچپولمه: آقای عظیم‌زاده، امروز اول ماه مه، روزی برای فکر کردن دوباره به خواست‌ها و مبارزات کارگران است. آقایان مهدی کروی و میرحسین موسوی نیز به این مناسبت پیام‌هایی داده‌اند که چه بسا طرح آن از سوی سیاستمداران جمهوری اسلامی، طی ۳۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. واکنش فعالان کارگری به این پیام‌ها چه بوده است؟

جعفر عظیم‌زاده: پیش از این که به سؤال شما پاسخ بدهم، از این فرصت استفاده می‌کنم و روز جهانی کارگر و اول ماه مه را به همی کارگران در ایران تبریک می‌گویم و امیدوارم اول ماه امسال، تبدیل به نقطه عطفی شود که کارگران در ایران و سراسر جهان به مطالبات انسانی خودشان دست پیدا کنند. اما تا آنجا که به سؤال شما مربوط می‌شود؛ به نظر من، تا همین‌جا که این آقایان امروز از حقوق کارگران صحبت می‌کنند، پیش از هرچیز بیانگر وجود یک جنبش عظیم و قدرتمند کارگری در ایران و پتانسیل‌های تاثیرگذاری این جنبش بر اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی کنونی در ایران است.

اما تا جایی که به واکنش کارگران به صحبت‌های این آقایان مربوط می‌شود، به هر حال این آقایان طی ۳۰ سال گذشته بخشی از خود حکومت بوده‌اند و همان‌طور که شما اشاره کردید، این‌گونه واکنش‌ها نسبت به اول ماه مه از سوی کسانی که در ۳۰ سال گذشته در حکومت بودند، بی‌سابقه بوده است. به هر حال کارگران از این اتفاق

ناراضی نیستند. وقتی بخشی از حکومتی‌ها، از حقوق طبقه‌ای که می‌کند، نشان‌دهنده آن است که اوضاع در جامعه دارد عوض می‌شود. اما واقعیت این است که صحبت‌های این آقایان در شرایط حاضر دردی از کارگران را دوا نمی‌کند و کارگران تا جایی که به خود این آدم‌ها و جنبش موسوم به "جنبش سبز" مربوط می‌شود، استقبال چندانی از آنان نمی‌کنند.

زیرا مثلاً قانون کار در پایان دوران نخست‌وزیری آقای موسوی، در مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام آن دوره تصویب شد؛ قانون کاری که امروز منجر به آن شده که ۸۰ درصد کارگران ایران با قرارداد موقت کار کنند و هیچ‌گونه امنیت شغلی نداشته باشند.

از طرف دیگر، تا جایی که به وضعیت معیشتی کارگران برمی‌گردد، ۳۰ سال است که هر سال وضعیت معیشتی طبقه‌ی کارگر ایران نسبت به سال پیش، بدتر شده است. به این معنا، کارگران به این مساله و صحبت‌ها و دغدغه‌های این دوستان خیلی جدی نگاه نمی‌کنند.

آقای موسوی از جمله به سه میحت "عدالت، توسعه و آزادی" اشاره کرده‌اند و آن را توضیح داده‌اند. به دستگیری فعالان کارگری و مسالهی فساد اقتصادی نیز پرداخته‌اند. آقای کروی از استقلال اتحادیه‌های کارگری، به عنوان کلید اصلی حل مشکلات فعلی، نام برده‌اند. فعالان کارگری مایل به شنیدن چه مسائل مشخصی هستند؟ آیا مسالهی اساسی عدم اعتماد است یا این که آنچه کارگران می‌خواهند، از دهان رهبران جنبش سبز هنوز بیرون نیامده است؟

طبیعی است که این دوستان الان این صحبت‌ها را بکنند. به هر حال اوضاع متلاطم اجتماعی - سیاسی در ایران موجود است و طبیعی است که جناح‌های قدرت سراغ نیروی بزرگ اجتماعی بروند که به نظر من،

در هر جامعه‌ای طبقه‌ی کارگر است. در واقع طبقه‌ی کارگر آن نیروی بزرگ اجتماعی است که هر رویکرد سیاسی و اجتماعی‌ای که پیدا کند، در آن جامعه تعیین‌کننده خواهد بود.

اما اساس مطالبات امروز کارگری، تشکلهای کارگری و وضعیت معیشتی بسیار وخیم طبقه‌ی کارگر در ایران است. این دوستان هم بعضاً به این مسائل اشاره می‌کنند، اما واقعیت این است که این اشارات و صحبت‌ها در دل یک بحران اجتماعی - سیاسی در ایران دارد مطرح می‌شود.

این‌ها خود در دوره‌هایی در حکومت بوده‌اند، مجلس در اختیارشان بود، مجمع تشخیص مصلحت نظام و کل دولت را در اختیار داشتند، اما همان‌طور که در بخش قبلی صحبت اشاره کردم، پایه‌ی همین بدبختی‌ای که امروز طبقه‌ی کارگر ایران دارد، از همان دوران گذشته شده است. هرچند که طی سال‌های اخیر اوضاع وخیم‌تر شده، اما این چیزی از مسئولیت این دوستان کم نمی‌کند.

دوباره تاکید می‌کنم که بحران اجتماعی‌ای در ایران وجود دارد که طی یک سال گذشته عمق و گسترش پیدا کرده و به بدنه‌ی حکومت نیز کشیده شده و طبیعی است که جناح‌های حکومتی صحبت‌های مختلفی را در رابطه با مطالبات مردم مطرح کنند. اگر دوران انتخابات را مد نظر بگیریم، این دوستان حتی زمانی که خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرده بودند، صحبت از حقوق کارگر نمی‌کردند، چون فکر نمی‌کردند کار به این‌جا بکشد. اما الان که کار به این‌جا کشیده، صحبت از حقوق کارگر می‌کنند.

طبیعی است که کارگر هم دنبال منافع خود و به دنبال حقوق انسانی‌اش باشد و از زاویه‌ی تحقق کامل و بی‌کم و کاست حقوق انسانی خود به مساله نگاه کند. تا جایی که به کارگران ایران مربوط می‌شود، ما صحبت‌ها و دغدغه‌های آقای موسوی، آقای کروی و جنبش موسوم به "جنبش سبز" را خیلی جدی ارزیابی نمی‌کنیم و نمی‌دانیم

در پس این اظهارات و در پس این که این‌ها فردا قدرت بگیرند، دوباره چه بلایی سر کارگر در ایران بیاید.

فعالان کارگری طی یک سال اخیر، تا چه حد خود را جزئی از این جنبش دانسته‌اند؟

ما آنچه را در یک سال گذشته اتفاق افتاد، اعتراضات مردمی ارزیابی می‌کنیم، نه جنبشی به نام "جنبش سبز" که در رأس آن آقای موسوی و کروی قرار دارند. به هر حال این اعتراضات مردمی است که طی ۳۰ سال گذشته، مطالبات مردم در ایران در حوزه‌ی آزادی بیان، در حوزه‌ی مطبوعات و در حوزه‌ی مسائل کارگری انباشته شده و طبیعی است که هر فرصتی برای مردم و برای طبقه‌ی کارگر پیش بیاید، مطالبات و خواسته‌های خود را مطرح می‌کند.

اگر شما خواسته‌ها و مطالبات یک سال گذشته را نگاه کنید، عموماً مطالبات مردمی بوده‌اند. مردم از این شکاف، از بحرانی که در پس انتخابات پیش آمد، استفاده کردند و مطالبات و خواسته‌های خود را مطرح کردند. ما خود را همراه و هم‌گام این اعتراضات می‌دانیم. طبقه‌ی کارگر در ایران، طی سال‌های گذشته پیش‌گام و پیشرو این اعتراضات و مطالبات انسانی در جامعه بوده است.

کارگران اخراجی مجتمع صنعتی گوشت فارس در روز اول ماه مه در برابر استانداری فارس در شیراز: «تا حق خود را نگیریم، از پای نمی‌نشینیم»

آیا طبقه‌ی کارگر توانسته طی یک سال اخیر خواسته‌های خود را مطرح کند؟

به نظر من، قطعاً مطرح کرده است. اول ماه مه پارسال، پیش از انتخابات، حدود ۱۵۰ کارگر در پارک لاله‌ی تهران و همین‌طور تعدادی از کارگران در شهر سنندج دستگیر شدند. در طول سال گذشته، کارگران اعتصابات و تجمعات مختلفی داشتند و طبیعتاً در تجمعات و اعتراضاتی هم که حول انتخابات شکل گرفت، کارگران و خانواده‌های کارگری نیز شرکت داشتند.

البته این به معنای آن نیست که

کارگران لزوماً خود را زیرمجموعه‌ای از آقای موسوی یا کروی می‌دانند، بلکه مطالبات انباشته‌ای بوده که در پس مسائل بعد از انتخابات، از طرف مردم و کارگران در همین تظاهرات خیابانی مطرح شد.

امسال به چه صورت خواهد بود؟

امسال با توجه به فضای حاد سیاسی‌ای که وجود دارد، شرایط به یک معنا بدتر و به یک معنا بهتر است؛ به این معنا بدتر است که احتمالاً سرکوب شدیدتر باشد. اما به این معنا که ما تجربه‌ی سال گذشته را پشت سر گذاشته‌ایم و عموم مردم به میدان آمده‌اند و مطالبات‌شان را مطرح کرده‌اند، طبیعی است که فرصت هست و قطعاً کارگران در نقاط مختلف، مراسم‌های اول ماه مه را برگزار خواهند کرد.

هرچند از دیروز مثلاً در شهر سنندج، پنج نفر از اعضای هیأت مدیره‌ی فعالین اتحادیه احضار شده‌اند. امروز صبح هم دو نفر، قبل از اینکه حتی پای مراسم بروند، بازداشت شده‌اند. اما احتمالاً در شهر سنندج و نقاط مختلف کشور مراسم‌هایی برگزار خواهد شد و کارگران از روز اول ماه مه و از این فرصت استفاده خواهند کرد که مطالبات خود را در سطح گسترده‌ای مطرح کنند.

از طرف دیگر هم برای ما کارگران جای خوشحالی است که مسالهی کارگران دارد به مسالهی عموم مردم تبدیل می‌شود و همی توجه‌ها به اول ماه مه و واکنش کارگران در این روز نسبت به مطالبات خودشان، جلب شده است.

امسال کارگران مطالبات خودشان را به شکل چه شعارهایی مطرح کرده‌اند؟

چند روز پیش ۱۰ تشکل و نهاد کارگری در ایران، از جمله سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران و... قطعنامه‌ی ۱۵ ماده‌ای در مورد مطالبات کارگران ایران منتشر کردند.